



مقدمه

یک روز پس از پایان اجلاس هفت قدرت بزرگ اقتصادی جهان در می ۲۰۱۷ و عدم دستیابی به یک اجماع نظر در خصوص ادامه مقابله با چالش‌های زیست محیطی در جهان، آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان اعلام کرد که اروپا از این پس ناگزیر است بر اساس مصالح و منافع خود حرکت کند: «آن دوران که ما می‌توانستیم به طور کامل روی دیگران حساب کنیم، رو به زوال است». گزارش حاضر بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که اساسا در شرایط کنونی چه رویدادی به وقوع پیوسته که صدراعظم آلمان از ضرورت ایجاد تغییر در رویکردهای اروپا صحبت می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش، نوع نگرش دولت ایالات متحده آمریکا به اروپا و اولویت‌های کشورهای اروپایی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ و اینکه مهمترین مساله یا مسائل در مناسبات اروپا و آمریکا چیست؟

تبیین موضوع

بعد از اعلام نتیجه همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، تردیدهایی در خصوص آینده اتحادیه اروپا مطرح شد. سناریوهایی که هر یک تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند روند و نحوه خروج بریتانیا از اتحادیه، رویکرد قدرت‌های اروپایی مانند آلمان و فرانسه و نحوه مدیریت اتحادیه در شرایط جدید و همچنین وضعیت درونی هر یک از کشورها قرار دارند. بحث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، چهار سناریوی محتمل را برای آینده این اتحادیه مطرح می‌کند:

۱. سناریوی تضعیف و فروپاشی اتحادیه اروپا
۲. سناریوی بازسازی اتحادیه و عبور از بحران
۳. سناریوی تحکیم و تقویت اتحادیه
۴. سناریوی تجدیدنظر بریتانیا از خروج

سناریوی تضعیف تدریجی اتحادیه اروپا بواسطه‌ی خروج بریتانیا، نیازمند کنار هم قرار گرفتن یکسری از مؤلفه‌هاست نظیر: تشدید ملی‌گرایی افراطی در سطح اروپا و تقاضای ملی‌گرایان برای خروج از اتحادیه، خروج آسان و کم هزینه بریتانیا از اتحادیه و تبدیل شدن این خروج به الگویی موفق در

آینده‌ی اتحادیه اروپا و چشم‌انداز مناسبات آلمان و امریکا ۲

و قدرتهای اروپایی در زمینه‌های مختلف، آینده مناسبات دو طرف را با ابهام مواجه کرده است. یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز، رویکرد دو طرف در قبال مسائل زیست محیطی جهانی و نحوه‌ی مقابله با آن است که در نشست هفت کشور بزرگ اقتصادی در سال ۲۰۱۷ نمود پیدا کرده است. این نشست در ادامه دستور کار و توافقی که در دسامبر ۲۰۱۵ در پاریس میان ۱۹۵ کشور جهان در زمینه مقابله با تغییرات اقلیمی و کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی بدست آمد، به موضوع ادامه تعهد کشورها به پیمان پاریس پرداخت که به دلیل عدم همراهی امریکایی‌ها نتوانست به یک اجماع نهایی برسد. دونالد ترامپ، پیشتر اعلام کرده بود که طرح موضوع گرمایش زمین یک «کلاه‌برداری» برای عقب نگاه داشتن اقتصاد امریکاست و تلاش خواهد کرد تا امریکا را از توافق پاریس خارج نماید.^۱

از سوی دیگر دولت ترامپ خواهان افزایش نقش و هزینه‌ی آلمان و فرانسه در تامین هزینه‌های امنیتی اروپا در قالب ناتو است. موضوعی که به نظر نمی‌رسد چندان مطلوبیتی برای این دو کشور بویژه آلمان داشته باشد. در همین راستا صدراعظم آلمان در واکنش به طرح بحث‌هایی در ناتو مبنی بر افزایش نیرو به افغانستان اعلام کرد که آلمان ضمن ادامه‌ی حمایت خود از «ماموریت غیرنظامی ناتو» در شمال افغانستان، خواهان اعزام نیروهای بیشتر به آن کشور نیست. اینها همه نشانه‌هایی از اختلاف‌نظر و رویکردهای متفاوتی‌ست که میان اتحادیه اروپا و در رأس آن آلمان از یک سو و بریتانیا و امریکا از سوی دیگر وجود دارد.

اروپا، عدم موفقیت قدرت‌های اروپایی مانند آلمان و فرانسه در مدیریت چالش‌های جدید اتحادیه و ایجاد انسجام در آن، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای درون اروپا و نزدیکی هرچه بیشتر بریتانیا و امریکا.

در سناریوی بازسازی و عبور از بحران، قدرت‌های بزرگ اتحادیه نظیر آلمان و فرانسه موفق خواهند شد تا فرایند خروج بریتانیا را به خوبی مدیریت کرده و از تبعات منفی احتمالی آن بکاهند.

در سناریوی سوم که تقویت اتحادیه اروپا است، بازیگرانی مانند آلمان و فرانسه قادر خواهند شد تا ضمن تقویت مواضع خود در اتحادیه اروپا، مدیریت تحولات را در اختیار گرفته و زمینه را برای تقویت و تعمیق همگرایی و استحکام ساختارهای اروپایی فراهم کنند. این دو قدرت اروپایی تلاش خواهند کرد تا با توجه به ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی موجود اتحادیه اروپا، موقعیت جهانی اتحادیه را به مثابه یک بازیگر تعیین‌کننده و مستقل در حوزه بین‌المللی ارتقاء دهند. یکی از جدی‌ترین احتمالات در این سناریو تلاش آلمان برای تقویت نقش خود در مقام رهبری اتحادیه و نیز بازتعریف نقش و کارکرد اتحادیه به عنوان یک بازیگر اثرگذار مستقل در معادلات جهانی و منطقه‌ای می‌باشد.

سناریوی چهارم یعنی تجدیدنظر بریتانیا برای خروج از اتحادیه نیز از احتمال وقوع بسیار ضعیفی برخوردار می‌باشد.

در سال ۲۰۱۶، بحث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، تنها شوک وارد شده بر این اتحادیه نبود، بلکه نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در امریکا و نگرش و رویکردهای رئیس‌جمهوری جدید آن کشور، اتحادیه اروپا را با شرایط پیچیده‌تری رو به رو ساخت. در حال حاضر، شکاف میان دیدگاه و اولویت‌های دولت امریکا

1. <http://www.bbc.com/persian/world-40080619>, 2017.



بویژه در زمینه مسائل منطقه‌ای و جهانی در چارچوب ناتو تا حدودی کاهش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

بدیهی‌ست که عدم پایبندی دولت امریکا به تعهدات بین‌المللی و نیز بروز تغییر در پیشبرد آنچه که منافع مشترک میان امریکا و همپیمانان اروپایی خوانده می‌شود، آینده مناسبات دو طرف را با ابهاماتی همراه ساخته است. در حال حاضر، تغییر رفتار دولت امریکا در کنار یکسری از موضوعات نظیر بحث خروج بریتانیا از اتحادیه، آینده امنیت اروپای واحد و نیز نزدیک شدن به زمان انتخابات در آلمان، موجب شده تا شدت موضع‌گیری و حساسیت مقامات آلمانی بویژه صدراعظم این کشور در قیاس با گذشته تغییر پیدا کند. به هر حال آلمان طی سالهای آینده در پی تقویت موقعیت خود در اتحادیه اروپا به مثابه یک قدرت پیشرو و تاثیرگذار خواهد بود. اما در عین حال نیازمند تعامل و معامله با امریکایی‌ها به واسطه منافع مشترک تجاری و اقتصادی دو کشور نیز می‌باشد؛ هرچند که ممکن است در بحث‌های مربوط به نقش و عملکرد اتحادیه در مسائل منطقه‌ای و جهانی چندان تمایلی به همراهی با امریکایی‌ها از خود نشان ندهد. بدیهی‌ست که از منظر آلمانی‌ها، موضع‌گیری‌های دونالد ترامپ در قبال خروج بریتانیا از اتحادیه، در راستای تضعیف همگرایی اروپایی تلقی می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد که مهمترین مساله‌ای که طی سالهای آینده در رابطه با نحوه‌ی تعامل با ایالات متحده برای آلمان و سایر اعضای اتحادیه اروپا وجود دارد این است که چگونه میان روابط اقتصادی و تجاری خود با این کشور و حفظ همگرایی، انسجام و منافع اتحادیه اروپا توازن برقرار نمایند. به واقع

در حالی که در شرایط کنونی بریتانیا سعی می‌کند تا هر چه بیشتر خود را به واشنگتن نزدیک‌تر نماید، کشوری مانند آلمان سعی می‌کند تا با مدیریت اتحادیه پس از خروج بریتانیا، جایگاه این اتحادیه را به عنوان یک بازیگر مستقل و اثرگذار تقویت نماید. از منظر آلمانی‌ها در شرایط کنونی، امریکا و بریتانیا دیگر همانند گذشته، شرکای قابل اطمینانی برای اتحادیه اروپا محسوب نمی‌شوند.

تردید نسبت به پایبندی امریکا به توافقنامه‌های بین‌المللی نظیر توافقنامه پاریس، توافقنامه تجارت آزاد آسیا-اقیانوس آرام و توافقنامه برجام، موجب شده تا پرسش‌های جدی در خصوص میزان مسئولیت‌پذیری امریکا به عنوان یک قدرت جهانی مطرح شود. چنین رفتارهایی از سوی دولت امریکا، این فضا را در اختیار کشوری نظیر آلمان قرار می‌دهد تا با تقویت موقعیت خود در اروپا، وابستگی اتحادیه را به امریکایی‌ها تا حدودی کاهش دهد. خروج بریتانیا از اتحادیه، احتمالاً روند تحکیم موقعیت آلمان به عنوان یک قدرت پیشرو و تعیین‌کننده در سطح اروپا را شدت خواهد بخشید. بنابراین بنظر می‌رسد که سیاست آلمان در شرایط کنونی، تلاش برای بازتعریف روابط امریکا و اتحادیه اروپاست. در همین راستا، مرکل در کنفرانسی که در رابطه با موضوع توسعه‌ی پایدار در برلین برگزار شده بود خطاب به کشورهای اروپایی خواست تا خود برای آینده تصمیم بگیرند. چنین مواضعی از سوی خانم مرکل در آستانه انتخابات و پیروزی احتمالی او می‌تواند نشانگر بروز تغییرات جدید در آینده روابط با امریکا باشد. هرچند که این گفته به معنای تقابل دو کشور با یکدیگر نخواهد بود، اما بنظر می‌رسد که سطح تعامل و همراهی آلمان با ایالات متحده طی سالهای آینده



۴ آینده‌ی اتحادیه اروپا و چشم‌انداز مناسبات آلمان و امریکا

شیوه‌های مدیریت الزامات این روابط دوگانه، جدی‌ترین چالش اتحادیه اروپا و آلمان در ارتباط با دولت امریکا خواهد بود. لذا بنظر می‌رسد که رهبران آلمان در فضای پس از برگزیت در پی تحقق همزمان سناریوی تحکیم و تقویت اتحادیه اروپا با محوریت آلمان و حفظ منافع اقتصادی دوجانبه با ایالات متحده‌ی امریکا خواهند بود.

